

هویت و امنیت اجتماعی

حمید هوشنگی



استادیار علوم سیاسی دانشگاه امام صادق (ع)

جامعه، محتوای هویت را سامان داده است. این روندها ترکیبی از هنرها، تعاملات و فرهنگ هستند که در قالب زبان، تاریخ، جغرافیا، فرهنگ، خاطره جمعی و دین نمود پیدا کرده‌اند. به‌طور نمونه، زبان فارسی یکی از مظاهر دل‌بستگی ایرانیان به هویت ملی از گذشته دور مطرح بوده است. این زبان به تعبیر ارنست گلنر حامل نوعی فرهنگ والا برای ایرانیان بود و از منظر دلاواله^۱، جهانگرد ایتالیایی، به‌عنوان زبان اصلی کشور چنان مورد احترام است و چنان تعصبی نسبت به آن اعمال می‌شود که نه تنها در کلیه مکتوبات و کتاب‌های جالب، به‌خصوص دیوان‌های شعر، بلکه برای تمام قراردادهای و مکتوبات رسمی و فرمان‌ها و احکام ارسالی شاه و بالاخره تمام امور مهم کشوری و دولتی، از زبان فارسی استفاده می‌شود.

کارکرد وحدت‌بخش زبان فارسی در میان ایرانیان از گذشته دور بوده است؛ به نحوی که از دوران شاهان ترک‌زبان همچون سلطان محمود غزنوی، زبان دربار شاهان ایران بوده و از عصر صفوی به بعد، اکثریت قریب به اتفاق نامه‌ها و اسناد دولتی به این زبان نگارش یافته است. زبان فارسی نه تنها زبان محاوره، بلکه زبان عرفان، شعر و فرهنگ همه ایرانیان بوده است و احساس تعلق به آن در میان همه ایرانیان بسیار پررنگ است. بنابراین، با تقویت جایگاه زبان فارسی می‌توان به تقویت هویت ایرانیان پرداخت و گامی به‌سوی برقراری امنیت اجتماعی فراهم ساخت. اهمیت و جایگاه زبان فارسی در هویت ملی ایرانیان در حدی است که مقام معظم رهبری نسبت به حفظ، صیانت و توسعه آن اهتمام داشته و بارها درباره فرسایش آن هشدار داده است.

لازم به ذکر است، در کنار زبان فارسی به‌عنوان زبان ملی، زبان دین (عربی)، زبان‌های محلی، قومی و زبان‌های خارجی نیز وجود دارند. برخلاف برخی از رویکردها، صیانت از زبان فارسی

هویت فرایند پاسخگویی آگاهانه هر فرد به یک دسته سؤال‌ها درباره خودش است که می‌تواند در سطوح فردی، اجتماعی، ملی و فراملی باشد. پاسخ به این سؤالات، کیستی فرد را در نسبت با دیگران مشخص می‌کند و در صورت نبود پاسخ مناسب به این سؤالات، ممکن است فرد دچار بحران هویت شود. موضوع بحران هویت و دغدغه هویت در سطوح گوناگون (فردی، اجتماعی و ملی)، به‌ویژه در عصر جهانی شدن (سازی) و

رشد مدرنیته در جهان، اهمیت بیشتری پیدا کرده است. از سوی دیگر، به تعبیر آیور نیومن، جامعه بدون هویت امکان بقا ندارد. هویت جزء لاینفک فرد و جامعه است. بنابراین، هر جامعه‌ای دارای هویت است، اما منشأ شکل‌گیری این هویت کجاست؟ در پاسخ به این سؤال، در ادبیات هویت‌پژوهی سه دیدگاه کلان شکل گرفته است. یک رویکرد، منشأ هویت جوامع را اموری ازلی و ابدی می‌داند که در طول تاریخ تغییر نمی‌کنند (زلی‌انکاران). رویکرد دیگر، هیچ منشأ ثابتی برای هویت قائل نیست و آن را امری دائماً متحول و سیال تعریف می‌کند و البته ابزاری برای نخبگان و صاحبان قدرت (ابزارگرایان). دسته سوم از این رویکردها، حد میانه را برگزیده است و علاوه بر پذیرش وجود امور دیرین در امر هویتی (مانند زبان و تاریخ)، بر سیالیت و تغییرات نسبی هویت در روندهای تاریخی تأکید دارد.

به نظر می‌رسد، با توجه به واقعیت‌های جوامع، باید رویکرد سوم را برگزید و هویت را نه امری ثابت محض و نه امری متغیر مطلق انگاشت. بنابراین، باید پذیرفت هویت با روندها ساخته می‌شود و به‌طور عینی و کاملاً از پیش ساخته نیست.

حال سؤال این است که هویت چگونه شکل می‌گیرد؟ با توجه به اینکه هویت محصول مشارکت جمعی آحاد جامعه در یک روند تاریخی است، نمی‌توان آن را جدای از بستر اجتماعی تعریف کرد. در واقع، روندهای تاریخی حادث‌شده در بستر



گرفت که با رشد فناوری‌های نوین به دنبال هضم هویت‌های گروه‌ها و جوامع در هویت مسلط (هویت برآمده از ایدئولوژی لیبرال دموکراسی) بود.

از نظر باری بوزان، این برداشت از امنیت اجتماعی، بر حفظ ویژگی‌هایی اشاره دارد که براساس آن افراد خود را به‌عنوان عضو یک گروه اجتماعی قلمداد می‌کنند. به عبارت دیگر، این برداشت با جنبه‌هایی از زندگی فرد ارتباط پیدا می‌کند که هویت گروهی او را شکل می‌دهد. بر این اساس است که گیدنز تأکید دارد «هویت، منبع معنا برای کنشگران است. انسان با احساس نداشتن هویت، احساس نداشتن امنیت خواهد داشت. احساس امنیت برای آدمی به قدری ضرورت دارد که برای تأمین آن، چه‌بسا حاضر باشد به آزادی هم پشت پا بزند.» بنابراین، حفظ هویت برای جوامع بسیار مهم و حیاتی به شمار می‌رود.

همان‌طور که اشاره شد، هویت در بستر جامعه شکل می‌گیرد و برآمده از ارزش‌ها و هنجارهاست، اما قدرت هنجارها و ارزش‌ها برای هویت‌سازی تا زمانی است که این هنجار به میزان قابل توجهی در جامعه مورد پذیرش بگیرند. بنابراین، عمومی‌سازی هنجارها و جامعه‌پذیری آحاد جامعه بر اساس این هنجارها می‌تواند از یک‌سو بر تقویت هویت جمعی (به‌ویژه هویت ملی) در جامعه کمک کند و از سوی دیگر به تقویت امنیت اجتماعی کمک کند.

روندهای موجود در جامعه ایرانی نشان می‌دهد با وجود تلاش‌ها برای عمومی‌سازی ارزش‌ها و جامعه‌پذیری مبتنی بر آن‌ها، به دلیل وجود حمله‌های سنگین در این حوزه، روند هویت‌یابی و تثبیت هویت جمعی در میان نسل نوجوان و جوان با وضعیت مطلوب فاصله دارد. در واقع، در معرکه رقابت هویت‌ها در عصر گسترش ارتباطات که برخی آن را دهکده جهانی و برخی جامعه شبکه‌ای نامیده‌اند، ایده‌ای موفق خواهد بود که بتواند ارزش‌ها و هنجارهای خود را عمومی و نهادینه کند. نقش‌آفرینی مؤثر در این معرکه نیز بدون شناخت بستر اجتماعی، ارزش‌ها و هنجارها، ایده‌ها و برنامه‌های هویت‌های رقیب ممکن نخواهد بود. در مجموع می‌توان گفت، حفظ امنیت اجتماعی در گرو صیانت دقیق و عالمانه از هویت جمعی جامعه است که در قالب هویت ملی متبلور می‌شود.

* پی‌نوشت‌ها

1. Pietro Della Valle
2. Societal Security
3. Barry Buzan
4. Ole Waever
5. Lemaiter

در گرو نادیده‌انگاری سایر زبان‌ها نیست، بلکه با اولویت‌بندی و برقراری تعادل میان زبان‌های موجود در قالب سیاست‌گذاری زبانی می‌توان زبان فارسی را حفظ کرد. دلالت این رویکرد در نظام آموزشی کشور، اولویت‌بخشی به زبان فارسی و بهره‌گیری از ظرفیت سایر زبان‌ها در مباحث علمی و تربیتی در کنار زبان فارسی است؛ به نحوی که منجر به تضعیف جایگاه زبان فارسی نشود.

در کنار موضوع هویت، با مقوله اهمیت دیگری به نام امنیت روبه‌رو هستیم. امنیت مانند هویت سطوح متفاوتی است. به نظر می‌رسد، پس از اینکه امنیت فردی شناسایی شد، افراد برای تحقق و تحکیم امنیت و جایگاه خود ناگزیر از عضویت در

گروه‌های اجتماعی هستند. این سطح از امنیت تحت عنوان امنیت اجتماعی^۲ مورد توجه و بحث قرار می‌گیرد. امنیت اجتماعی، نوع و سطحی از احساس اطمینان خاطر است که جامعه و گروه در آن نقش اساسی دارد.

مفهوم امنیت اجتماعی در سال ۱۹۹۳ توسط نظریه‌پردازانی مانند باری بوزان^۳، آل ویور^۴ و لمیتر^۵ تحت عنوان «مکتب کپنهاگ» مطرح شد، اما از این مفهوم تلقی‌های متفاوتی وجود دارد که با توجه به موضوع آن‌ها می‌توان سه تلقی اصلی را از هم تمییز داد؛ امنیت اجتماعی به‌مثابه تأمین اجتماعی؛ امنیت اجتماعی به‌مثابه امنیت هویت؛ امنیت اجتماعی به‌مثابه امنیت جامعه.

در این بین، رویکرد امنیت اجتماعی به‌مثابه امنیت هویت بیشتر مورد توجه و تأکید قرار گرفت، زیرا امواج تهدیدآمیزی بر ضد هویت گروه‌ها و جوامع در عصر جهانی‌شدن (سازی) شکل

ادراک امنیت اجتماعی، نوع و سطحی از احساس اطمینان خاطر است که جامعه و گروه در آن نقش اساسی دارد

